

۲ یادداشت
ترجمان وفاق
محسن میردامادی

۵ تماشا
شوالیهی تئاتر
به یاد پری صابری

۷ کوچه
طول عمر ناگوار آمدی!
طرح شورای شهر برای ۷ ساله شدن



برد هریس در فیاد کفیا

اولین مناظره ترامپ و هریس بنا بر گزارش اغلب نظرسنجی‌ها با پیروزی نامزد دموکرات‌ها همراه بود



۳ افق

یادداشت روز

اقناع افکار عمومی

درباره لزوم روشنگری در پرونده زندانیان سیاسی



عمادالدین باقی
جامعه‌شناس
و پژوهشگر حقوق بشر

اقناع افکار عمومی شرط ضروری حکمرانی خوب و دوام یک حکمرانی و بازسازی مستمر مشروعیت است زیرا هیچ مشروعیتی ابدی و چک سفید نیست، مشروعیت، امری است که لحظه‌به‌لحظه باید بازسازی شود. نکته مهم این است که مشروعیت به آسانی از دست می‌رود ولی به آسانی به دست نخواهد آمد. کارآمدی یک سیستم، بحث فساد و پیامدهایی که در یک جامعه دارد و مقوله فقر و درماندگی، هر کدام نقش کلیدی در مشروعیت‌سازی دارند و باید افکار عمومی نسبت به آنچه پیش می‌آید، توجه باشد اما یکی از حوزه‌های بسیار مهم، حوزه قضایی است. این موضوع آقدر مهم است که نتواند از نظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر یا در عرف جهانی، محاکمات و آراء قضایی مانند خانه شیشه‌ای و در معرض افکار عمومی است و وجدان عمومی از طریق هیات‌منصفه در صدور احکام، تعیین‌کننده است حتی در کشور ما نیز که آن درجه شفافیت پذیرفته نشده، یکی از مواد سند تحول قضایی درباره لزوم انتشار آرای قضایی و نقد آنهاست اما در عمل از آن امتناع شده و نه رایج است و نه کسی پاسخگو است.

برای مثال، تصور ۹ سال حبس (تا امروز) برای دکتر مصطفی تاج‌زاده و نزدیک به ۸ سال برای دکتر سعید مدنی به‌علاوه دو سال تبعید و تصور اینکه ضیا نیوی تاکنون بیش از ۹ سال عمرش را در زندان سپری کرده است، به‌ویژه با نگاهی به اتهامات آنها و ایرادات اصولی که از نظر جامعه حقوقی وجود دارد و در لوائح و کلا منعکس شده است، نتیجه‌ای جز جریحه‌دار شدن آقشاری از جامعه را در پی ندارد. بی‌تفاوتی برخی از مقامات نسبت به این دست از موضوعات پیام ناخوشایندی را به جامعه مخابره می‌کند. درباره دکتر محسن برهانی طبق آنچه در رسانه‌ها منتشر شده و مسئولان قضایی هم تکذیب نکرده‌اند، اتهاماتش مصادق آزادی بیان بوده و گرچه ممکن است بعضی سخنان منتهم، گزیده باشد اما واجد وصف کیفری نبوده و حتی در یک دیدگاه رادیکال و جرم‌انگار هم مستحق صدور چنین حکمی نبوده است. درباره رای توماسی صالحی تقدما، ابهامات و سوالات حقوقی جدی وجود دارد که در فضای عمومی هم مطرح و حتی در رای دیوان عالی کشور هم به آن توجه شده است اما چرا کسی پاسخگو نیست؟

ممکن است بگویید، توده مردم دانش حقوقی ندارند که سوالاتشان اعتبار داشته باشد. گرچه این حرف مخدوش است اما افرادی در جامعه حقوقی نیز قانع نشده‌اند و هیچ فردی هم حاضر به مناظره و روشنگری نیست.

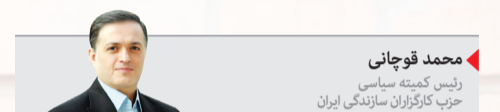
در پرونده وکلای زندانی مانند محمد نجفی و امیرسالار داوودی نیز ایرادات معتدبه‌ای وجود دارد اما چند سال است در زندان به سر می‌برند و فریادرسی نیست. درباره آقای نجفی حتی کار ساده‌تجمیع پرونده‌های او که می‌تواند موجب گشایشی باشد، دو سال است طول کشیده و هنوز به جایی نرسیده است. درباره بسیاری از زندانیان مثل آقای داود رضوی از سندیکای کارکنان اتوبوسرانی که بیش از ۷۰۰ روز از بازداشت او می‌گذرد و محکومان زیاد دیگری اساساً اطلاع‌رسانی وجود نداشته و کمتر کسی از وضعیت و حتی نام آنها اطلاع دارد. در تعداد زیادی از پرونده‌ها قطعاً از نظر حقوقی نمی‌توان مجازات زندان را توجیه کرد و فقط با معیارهای سیاسی قابل توجیه است. نقد حقوقی برخی از احکام سیاسی را در روزنامه‌های داخلی منتشر کرده‌ام و آماده مناظره صرفاً حقوقی در هر رسانه‌ای با هر مقام قضایی که مدافع این احکام باشد، هستم. حال این پرسش پیش می‌آید که به چه قیمتی؟

من معتقدم برخلاف تصور، استفاده از ابزار زندان به طور موردی و در کوتاه‌مدت کارکرد داشته اما این نتیجه به بهای سنگینی به دست آمده است. آثار فرسایش اعتبار سیاسی نیز در انتخابات دیده شد. بدون‌شک هر خردمند و حقوق‌گرای نمی‌تواند، مخالف مجازات مجرم باشد اما در حوزه سیاست با رعایت دو اصل: ۱- تسامح و تحمل مخالف و ۲- دادرسی منصفانه با حضور وکیل در تمام مراحل از تحقیقات تا محاکمه و با حضور هیات‌منصفه غیرفرمایشی، اگر فردی به زندان محکوم شود، وجدان عمومی حتی اگر ناخشنود باشد نیز با آن مقابله خواهد کرد.

زندان در زندان

گزارش فائزه هاشمی از زندان اوین واقعیتی هولناک در سیاست ایران را نشان می‌دهد:

استبداد پنهان در زندان



محمد قوچانی
رئیس کمیته سیاسی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

«دختر عمویم که به تعبیر خواب‌هایش باور جدی دارد، چندی پیش در خواب دیده که در زندان توسط هم‌بندی‌ها کشته می‌شوم. از ما گفتن بود، خود دانید». این تکان‌دهنده‌ترین و نگران‌کننده‌ترین جمله نامه - گزارش فائزه هاشمی از زندان اوین بود که در بیستم شهریور ماه ۱۴۰۳ منتشر شد و جامعه سیاسی و رسانه‌ای کشور را در شوک فرو برد.

نامه‌ای تلخ و گزارشی تاریخی که فارغ از مواضع شخصی و پرونده قضایی «نخستین سیاستمدار زن اصلاح‌طلب» در جمهوری اسلامی، نشان از وضعیت سخت سیاست‌ورزی و اصلاح‌طلبی در ایران امروز دارد.

فائزه هاشمی را می‌توان «نخستین سیاستمدار زن اصلاح‌طلب» پس از انقلاب اسلامی دانست. پیش از او زنان محترمی چون منیره گرجی (نهاد زن عضو مجلس خبرگان قانون اساسی) و اعظم طالقانی (نماینده مجلس اول و مدیر جامعه زنان انقلاب اسلامی و نشریه پیام هاجر) و نیز زنانی چون زهرا رهنورد و ... از میان زنان مسلمان وجود داشتند که با پیروزی انقلاب اسلامی در روزنامه‌ها و رسانه‌ها مطرح شدند، اما جامعه مردسالار ایران پس از امواج انقلاب، آنان را نادیده گرفت و سوابق انقلابی‌شان را فراموش کرد تا زمانی که با پایان جنگ و آغاز برنامه توسعه، روشن شد توسعه‌ی ایران بدون حضور زنان امکان‌پذیر نیست. فائزه هاشمی از این جهت نخستین است که با پایه‌گذاری نهاد ورزش زنان، با شکستن تابوی فعالیت‌های ورزشی دختران و زنان - که امری انقلابی هم محسوب نمی‌شد - این سرمایه اجتماعی را به سرمایه سیاسی بدل کرد و با نامزدی برای دوره پنجم مجلس شورای اسلامی - قبل از دوم خرداد ۱۳۷۶ - نه تنها خود را در معرض رای ملت گذاشت بلکه با نماد نهاد روحانیت (علی‌اکبر ناطق‌نوری، نامزد اول جامعه روحانیت مبارز) شانه‌به‌شانه رقابت کرد و به‌عنوان نماد یک زن جوان در ۳۴ سالگی یکی از دو نماینده اول تهران شد. در آن انتخابات، عبدالله نوری سرلیست کارگزاران سازندگی ایران در رقابت با جامعه روحانیت مبارز به سرلیستی علی‌اکبر ناطق‌نوری بود؛ نمادی از رقابت در درون روحانیت. اما مردم به یک زن جوان نه‌چندان سیاسی رای دادند که مشهور بود با رعایت حجاب شرعی، شلوار جین می‌پوشد و ورزش می‌کند و طرفدار آزادی‌های فردی و اجتماعی است.

فائزه هاشمی البته به علت رقابت جناح چپ و پدرش، در مجلس ششم نتوانست به مجلس راه یابد و در واقع این بار چوب پدری را خورد که سبب شهرت او شده بود. متأسفانه جناح چپ و اصلاح‌طلبان متوجه نقش فائزه هاشمی در پیروزی دوم خرداد ۱۳۷۶ نشدند و با افضای یک فایل صوتی در روزنامه صبح امروز، به قول خودش در نامه اخیر، زبان سرخ سر سبز را بر باد داد و فائزه هاشمی از فهرست اصلاحات حذف شد اما او ناامید نشد و با انتشار روزنامه «زن» به‌عنوان اولین نشریه یومیه زنان ایران، نشان داد که نمی‌خواهد صحنه را ترک کند؛ گرچه «زن» توقیف شد و پیشنهاد سیدمحمد خاتمی برای انتصاب فائزه هاشمی به معاونت رئیس‌جمهور و ریاست سازمان تربیت‌بدنی با مخالفت اکبر هاشمی‌رفسنجانی مواجه شد اما فائزه هاشمی با حضور در حزب کارگزاران سازندگی ایران در عرصه سیاست‌ورزی باقی ماند. این حضور البته فرازونشیب‌های بسیار داشت و دارد و بانوی جوان که دیگر به زنی میانسال بدل شده بود؛ گاه در مقام سیاستمداری منفرد چنان مواضع رادیکالی از خود نشان می‌داد که پدر، برادر یا حزب متبوعش ناگزیر می‌شد، بگوید فائزه هاشمی جز هویت تشکیلاتی، شخصیتی فردی هم دارد و این واقعیتی بود که بارها فائزه هاشمی هم بر آن اصرار می‌کرد.

ادامه در صفحه ۲



